

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره پیاپی ۳۴، تابستان ۱۳۹۸

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

آسیب‌شناسی و ارزیابی طرح‌های آمایش سرزمین در کشور ایران

حسین حاتمی‌نژاد^۱: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ابراهیم عمو: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۰

صص ۲۷-۳۸

دریافت: ۱۳۹۶/۸/۳۰

چکیده

قریب به ۷۰ سال سابقه در نظام برنامه‌ریزی کشور و همچنین ۵۰ سال تجربه تلاش برای نهادینه ساختن رویکرد آمایشی-فضایی در نظام مدیریت و اقدامات توسعه‌ای در کشور وجود دارد، ولی هنوز نبود یک سند آمایشی مورد وفاق در سطح ملی و سازوکارهای نهادی و قانونی تحقق‌بخش برنامه‌ها و طرح‌های آمایشی تدوین شده سبب شده که نظام تخصیص نتواند به‌رغم تأکیدات خاص تمام اسناد برنامه‌های بخشی به نابرابری‌های منطقه‌ای پایان بخشیده و یا در تعدیل آن‌ها توفیقات اساسی کسب کرده باشد، لذا مطالعه و بررسی علل ناکامی ۳ موج طی شده در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های آمایشی کشور موضوعی است که تا مورد تحلیل قرار نگیرد، نمی‌توان به موفقیت اندیشه‌ها و اقداماتی که اخیراً در بازتعریف شیوه‌های کاربردی رویکردها و طرح‌های آمایشی در کشور آغاز شده امید داشت. هدف اصلی این مقاله آسیب‌شناسی مقدماتی طرح‌ها و برنامه‌های آمایشی در کشور می‌باشد، نوع تحقیق کاربردی و روش آن اسنادی-تحلیلی می‌باشد، شیوه جمع‌آوری اطلاعات اسنادی و میدانی بر مبنای مصاحبه بوده و تلاش شده با احصای متغیرهای اثرگذار در قالب پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت نسبت به اخذ نظرات کارشناسانی که به روش تحلیل شبکه‌ای شناسایی شده‌اند؛ اقدام شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل در آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌های آمایش سرزمین در کشور در حوزه جایگاه قانونی زیر معیار «عدم تعریف دقیق جایگاه برنامه‌ها و نگاه آمایشی در اسناد قانونی هدایتگر برنامه‌ها و تصمیمات»، در حوزه مدیریتی زیر معیار «حاکمیت اقتصاد نفتی و اقتصاد رانتی به‌عنوان مؤلفه اصلی در نهادینه نشدن نگاه منطقه‌ای-فضایی» در حوزه ساختاری زیر معیار «سنتی بودن نظام برنامه‌ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی» و در حوزه معیار محتوایی زیر معیار «عمیق بودن نابرابری‌های منطقه‌ای به حدی که طرح‌های آمایشی تا توازن بخشی فضایی راه بسیار طولانی دارند» می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، آمایش سرزمین، ساختارهای نهادی، سیاستگذاری، ایران.

^۱ نویسنده مسئول: hataminejad@ut.ac.ir ، ۰۹۱۲۴۱۲۷۸۰۰

مقدمه:

مطالعات آمایش، یکی از برنامه‌ریزی‌های فضایی است که برای کاهش عدم تعادل در ابعاد مختلف در سطوح ملی و منطقه‌ای، وضع موجود را به سمت مطلوب هدایت می‌کند. برنامه‌ریزی آمایش شهر، برنامه‌ای است برای تحقق توسعه پایدار فضایی که مجموعه اهداف، سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های اجرایی شهر را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی دربر می‌گیرد (رهنما و آقاجانی، ۱۳۹۲: ۱۲). اندیشه آمایش سرزمین در کشور فرانسه با مشاهده عدم تعادل در توزیع جغرافیایی جمعیت، فعالیت و خدمات، همزمان با پیدایش تفکر برنامه‌ریزی شهری به‌منظور بازسازی کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم ظهور کرد (پوراحمد، ۱۳۸۰: ۴۸۰). هدف کلی آمایش سرزمین یا برنامه‌ریزی فضایی سازماندهی فضایی ملی در عین بهره‌برداری خردمندانه از سرزمین در راستای چشم‌انداز بلندمدت توسعه در ابعاد گوناگون آن می‌باشد. در آغاز هزاره سوم، تحقق رشد اقتصادی، توجه به معضلات زیست‌محیطی و معادلات جدید ناشی از پدیده جهانی شدن، نیاز به برنامه‌ریزی فضایی را بیش‌ازپیش محرز ساخته است (مفیدی، ۱۳۸۹: ۷۴). با این‌وجود همانند برخی کشورهای جهان سوم در ایران نیز آمایش سرزمین با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده است. به‌منظور ساماندهی فعالیت‌ها و توزیع متعادل آن‌ها، چه در قالب قوانین و مقررات چه در قالب طرح‌های مطالعاتی (ازجمله مطالعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و طرح‌های کالبدی وزارت مسکن و شهرسازی)، تلاش‌های بسیاری در کشور صورت گرفت؛ اما این اقدامات نتوانست اثربخشی مطلوبی در توزیع مناسب فعالیت‌ها به تناسب قابلیت‌های سرزمینی داشته باشد و همچنان موضوع توزیع نامناسب امکانات و عدم استفاده از قابلیت‌ها و استعدادهای مناطق مختلف کشور و به عبارتی، توسعه‌نیافتگی بخش اعظمی از پهنه کشور به‌عنوان چالشی اساسی در کشور مطرح است (سلطانی، ۱۳۹۲: ۶۵). لذا شناخت این تحولات برای رسیدن به راهکارهای عملی و رفع تنگناها و موانع فراروی آمایش سرزمین بسیار حیاتی می‌باشد (صالحی و پور اصغر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). ضرورت این پژوهش از آن روی است که یکی از اقدامات لازم جهت تحقق سند چشم‌انداز و هموارسازی مسیر توسعه پایدار و متوازن، تهیه و اجرای دقیق طرح‌های آمایش سرزمین است. مسئله‌دار بودن طرح‌های آمایشی، چه در مرحله تهیه و چه در مرحله اجرا و نظارت، بر محقق شدن اهداف برنامه‌های توسعه آسیب جدی وارد می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۲: ۶۴). براین اساس هدف اصلی پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مقدماتی طرح و برنامه‌های آمایشی در کشور می‌باشد که با غفلت از آمایش سرزمین و تمرکزگرایی و دولت‌سالاری شدید و تکیه بر درآمدهای نفت سبب عدم توجه به توسعه محلی و منطقه‌ای کشور و فاصله زیاد مناطق نسبت به هم گردیده است. ازاین‌رو پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: چه عواملی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی بازدارنده تحقق طرح‌های آمایشی عمل می‌کند؟ و با توجه به متفاوت بودن اهمیت مؤلفه‌های بازدارنده تحقق طرح‌های آمایشی، کدام‌یک از موانع مورد پژوهش در مقایسه با دیگر موانع تأثیر بیشتری دارند؟

پیشینه و مبانی نظری تحقیق:

آمایش سرزمین با رویکرد همه‌سوی در چارچوب توسعه فضایی، سعی دارد با پدیده عدم تعادل‌های منطقه‌ای برخورد کرده و راه کارهای مناسب را برای تحقق توسعه متوازن، همه‌جانبه و پایدار در سطح سرزمین، ارائه نماید. حرکت کشورهای درحال توسعه در مسیر توسعه پایدار، مستلزم توجه به سطوح منطقه‌ای و محلی در برنامه‌ریزی توسعه است که در چارچوب نظام برنامه‌ریزی بخشی، به دلیل تمرکزگرایی، دستیابی به آن امکانپذیر نیست (استعلاجی، ۱۳۸۸: ۷۲). به عقیده برخی از صاحب‌نظران مانند فیلیپ لامور^۱ موضوع اساسی که آمایش سرزمین را معرفی می‌کند مدیریت کشور است (Hansen, 1978: 5). برخی از نظریه‌پردازان آمایش سرزمین را نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت برای توزیع بهتر جمعیت، و فعالیت‌های مختلف به‌منظور افزایش رفاه، و هماهنگی جامعه می‌دانند (Henry, 2002: 292). آمایش سرزمین از نظریه‌های مختلفی همچون قطب‌رشد، نظریه توسعه فضایی، عدالت فضایی، رشد و بهره‌وری، نظریه زیست منطقه‌گرایی و عدم تمرکز توزیع مکانی فعالیت‌ها بهره می‌گیرد و به اهداف توسعه منطقه‌ای، طراحی مطلوب سکونتگاه‌های انسانی، نظام متعادل شهر و روستا و فعالیت‌های

همگن اقتصادی - اجتماعی توجه دارد (زیاری، ۱۳۸۸: ۲۳). جامعه بشری در شرایط کنونی جهان در رابطه با فضای مورد استفاده‌اش نمی‌تواند بدون مطالعات لازم و همه‌جانبه متکی به آینده‌نگری آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی درازمدت به‌ویژه برای نسل‌های آینده به زندگی مطلوب ادامه دهد. ضرورت پژوهش و بررسی درباره مقوله توسعه و آمایش سرزمین به‌ویژه در بخش صنعت و مناطق ویژه اقتصادی از جهات مختلف به‌ویژه تخصص منطقه‌ای در رابطه با فعالیت انسان انتخاب مکان‌های تولید و همچنین حفاظت و توسعه محیط‌زیست ایجاب می‌کند که به‌منظور حداکثر استفاده از قابلیت‌ها و امکانات سرزمین برای هدف‌هایی که جامعه در پیش رو دارد با توجه به روند پیشرفت علم و دانش در جهان متحول امروز آمایش سرزمین تهیه و تنظیم نماید (صالحی و پوراصغر، ۱۳۸۸: ۱۶۲). آمایش سرزمین یکی از قلمروهای اساسی عملکرد جغرافیای کاربردی است که اغلب با اراده و اختیار خود تعادل‌های فضایی و ملی و ناحیه‌ای را اصلاح و سازماندهی می‌کند. بدین منظور لازم است که هم شناخت و ادراک مناسبی از کل سرزمین داشت و هم درباره فضا آینده‌نگری کرد (سرور، ۱۳۸۴: ۲۰).

تجربیات اغلب کشورهای پیشرو در زمینه برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین با رویکرد توازن بخشی‌های اجتماعی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که عنصر ارزیابی و آسیب‌شناسی برنامه، تصمیم و هرگونه اقدام مداخله‌ای بخشی جدایی‌ناپذیر و لاینفک تمامی فرایندهای برنامه‌ریزی و فرایندهای اندیشه‌سازی برای توسعه بوده است، به همین اعتبار توانسته‌اند با شناخت به‌موقع انحرافات در روند برنامه‌ها و همچنین شناخت پیامدهای احتمالی اقدامات مداخله‌ای به اصلاح اندیشه یا اقدام بپردازند، این در شرایطی است که در کشورهای در حال توسعه ضعف رویکرد آسیب‌شناختی برنامه‌ها، اقدامات و تصمیمات سبب شده که با گذشت دهه‌های متوالی از تهیه و اجرای برنامه‌ها و یا هزاران میلیارد هزینه کرد به اسم توسعه، هنوز با اصالت واقعی توسعه فاصله داشته باشند، بنابراین شاید بتوان گفت ارزیابی و آسیب‌شناسی برنامه‌ها حلقه مفقوده تمامی برنامه‌ها و تصمیمات در طول تاریخ برنامه‌ریزی در این کشورها بوده و اگر قرار و همتی باشد مبنی بر نهادینه‌سازی عقلانیت ذاتی یا جوهری و حرکت از نظریه در برنامه‌ریزی به نظریه برنامه‌ریزی و بالاخره تحقق توسعه صیانت محور، مسیر از آن آسیب‌شناسی واقع بینانه برنامه‌ها و تصمیمات و اقدامات مداخله‌ای خواهد بود یا باید باشد.

آمایش سرزمین در ایران:

برنامه‌ریزی فضایی در کشورهای مختلف جهان از نظر شکل و محتوا یکسان نمی‌باشد. این نوع برنامه‌ریزی در جوامع گوناگون، به دلایل مختلف از جمله تجربه تاریخی متفاوت، ساختار حکومت، میزان توسعه‌یافتگی، دیدگاه‌های سیاسی و تفاوت‌های جغرافیایی شکل‌های مختلفی به خود گرفته است. مقوله برنامه‌ریزی به‌رغم اینکه از سابقه نسبتاً طولانی در ابعاد نظری و تجربی برخوردار است، اما در کشور ما، به‌ویژه در طرح‌های توسعه فضای - کالبدی یا آمایش؛ از سابقه چندانی برخوردار نیست (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۵۸). کارشناسان سازمان برنامه‌و بودجه آمایش را از ریشه آمودن به معنای آباد کردن گرفته‌اند که از واژه (Aménager) در زبان فرانسه اقتباس شده (قورچیان، ۱۳۸۵: ۲) و برابر واژه انگلیسی (Land use) می‌باشد (سرور، ۱۳۸۷: ۲۲). آمایش سرزمین، تنظیم رابطه بین انسان و سرزمین و فعالیت‌های انسان در سرزمین به‌منظور بهره‌برداری درخور پایدار؛ از جمیع امکانات انسانی و فضایی در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع در طول زمان تعریف می‌نماید (مخدوم، ۱۳۹۰: ۱۶). هدف اساسی از مدیریت و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین توزیع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ظرفیت‌های آشکار و پنهان با توجه به تحولات و دگرگونی‌های زمان و نیازهاست (خنیفر، ۱۳۸۹: ۶). هدف آمایش سرزمین این است که به برنامه‌ریزی، بعدی جدید بدهد که همان نحوه توزیع و سازمان‌یابی انسان‌ها و فعالیت‌ها در سراسر سرزمین ملی است. در برنامه‌ریزی "آمایش سرزمین" سیاست و خط‌مشی کلی توزیع فعالیت‌ها مشخص می‌شود و توزیع جغرافیایی جمعیت و سکونت‌گاه‌ها و نحوه استفاده از اراضی کشور مدنظر است. برنامه‌ریزی فضایی در مرحله قبل از برنامه‌ریزی فیزیکی است که در آن خطوط کلی و راهبردی شکل‌دهنده یک فضای فیزیکی را مطرح می‌کند. برنامه‌ریزی فضایی الزاماً بعد جمعیت و فضا را در فعالیت‌ها می‌بیند. سابقه برنامه‌ریزی عمرانی در ایران به بیش از شش دهه می‌رسد و برنامه‌ریزی در این مدت تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همواره با دگرگونی‌هایی همراه بوده و فراز و نشیب‌های بسیار زیادی داشته است. در تمام این برنامه‌ها، به مقوله استفاده متناسب از

منابع طبیعی و انسانی مناطق مختلف کشور با عناوینی مانند طرح جامع مطالعات توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور، طرح آمایش سرزمین، مطالعات برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، استراتژی کلی درازمدت آمایش سرزمین، چارچوب نظری پایه توسعه استان، مطالعات نظریه پایه توسعه ملی، استراتژی سازمان‌دهی فضا، لایحه سند برنامه و در نهایت برنامه آمایش سرزمین اشاره شده است. اشاره تلویحی و آشکار به مقوله آمایش سرزمین در دو برنامه اخیر توسعه پنج‌ساله دلیلی روشن بر این امر است. ماده ۱۹ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران به تفصیل و در ۸ بند، بر اصول آمایش سرزمین در کشور تأکید می‌کند. در مواد ۱۶۳، ۱۶۴ و ۱۶۵ لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور نیز آمایش سرزمین جایگاه مهمی دارد. در ماده ۱۶۴ قانون یادشده بر تشکیل شورای آمایش سرزمین تأکید شده است. اما تقریباً بخش چشم‌گیری از این برنامه‌ها با موانع و چالش‌هایی مواجه بوده‌اند که گاه این برنامه‌ها را از هدف اصلی خود دور نگه داشته است. برای مثال، موفق نبودن برنامه اول (۱۳۲۸-۱۳۳۴) به علت شرایط بد اقتصادی و بحران‌های سیاسی از جمله کودتای ۲۸ مرداد بوده است (صالحی و پوراصغر، ۱۳۸۸: ۱۵۲) و یا چالش‌های پیشروی برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم قبل از انقلاب به دلایلی مانند توزیع ناعادلانه ثروت، فقدان استراتژی مشخص در هزینه کرد درآمدهای نفتی و برخوردار نبودن برنامه‌ها از فراگیری لازم بوده است (توفیق، ۱۳۸۴: ۲۷۰). موانع دست‌یابی برنامه‌های آمایش سرزمین به اهداف از هر عامل و یا متغیر تأثیرگذاری که باشد، نتایج آن کاملاً مشهود است. برخی از این نتایج تأثیرات منفی کم و برخی دیگر تأثیرات منفی زیادی دارند. برای مثال، هدر رفتن منابع مالی اختصاص‌یافته برای تهیه طرح‌های آمایشی و به‌عبارتی دیگر، تبدیل این طرح‌ها به ابزاری تشریفاتی و لوکس از تأثیرات منفی با شدت کم است. از سوی دیگر، عملیاتی و اجرایی نشدن استراتژی‌ها و سناریوهای طراحی‌شده برای یک منطقه، استان و یا یک بخش در مرحله برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برنامه‌های آمایش سرزمین از تأثیرات منفی با شدت زیاد است.

صالحی و پوراصغر، ۱۳۸۸، در پژوهشی، مهم‌ترین موانع فراروی تحقق طرح‌های آمایش سرزمین در کشور را شرایط طبیعی کشور، قوانین و مقررات، فشارهای سیاسی جهت اجرای طرح‌های فاقد توجیهات اقتصادی و فنی، فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین در ایران، نبود تعریف مناسب از منطقه در کشور، موقعیت قرارگیری ایران در جغرافیای خاورمیانه و تأثیرات متغیرهای برونزا، و نبود منظومه ملی اطلاعات مکانی برای به اشتراک گذاشتن داده‌های مکان‌دار می‌دانند. لطیفی ۱۳۸۸، برنامه‌های آمایش سرزمین در ایران را ناموفق ارزیابی می‌کند. او علل اصلی عدم دست‌یابی طرح‌های آمایشی به اهداف موردنظر و ادامه روندهای نامطلوب در سازمان‌دهی فضا در سه دهه اخیر را در سه گروه دسته‌بندی می‌کند: ۱- نبود تفکر منسجم و نهادینه برای مدیریت سرزمین در سطوح مدیریتی کشور؛ ۲- نبود طرح و برنامه مصوب و با پشتوانه قانونی لازم برای سازمان‌دهی فضا؛ ۳- نبود نهاد قانونی مشخص و مسئول برای مدیریت سرزمین و پیگیری اجرای طرح‌های آمایشی و نظارت بر آن (لطیفی، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۶). سند آمایش سرزمین هر کشور به‌عنوان راهبردی ملی و بلندمدت حاوی سطوح مختلف برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای، استانی و محلی است. مهم‌ترین مسأله تحقیق حاضر این است که با وجود سابقه ۵۰ ساله برنامه‌ریزی در کشور ایران، برنامه‌های آمایش سرزمین کشور، به دلایل مختلف و وجود مشکلات اجرایی در برنامه‌های توسعه کشور، هیچگاه نتوانسته‌اند از مرحله مطالعات پایه فراتر رود. چنانچه در جدول (۱) مشاهده می‌شود دوره بندی فعالیت‌های آمایش سرزمین در ایران از دیدگاه‌های مختلف قابل ردگیری و تحلیل می‌باشد ولی می‌توان دوره‌های زیر را شناسایی نمود:

دوره اول: به شکل‌گیری مفهوم آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی ایران محدود می‌شود که به مجموعه گفتمان‌های اولیه و اقدامات دهه ۲۰ و ۳۰ در راستای تشخیص ضرورت تدوین برنامه به سبک الگوهای غربی برای توسعه ملی بر می‌گردد (البته هرچند می‌توان گفت که به استناد مدارک محکم شاید ایرانیان را بتوان از بنیان‌گذاران اندیشه آمایش سرزمین به اعتبار روش‌های بسیار پیشرفته در زمان خویش در بکارگیری فضا و عناصر آن دانست).

دوره دوم: با به اوج رسیدن عدم تعادل‌ها سرزمینی، ضرورت اتخاذ یک سیاست ملی توسعه منطقه‌ای در دولت مطرح گردید که حاصل آن مطالعات طرح جامع ستیران در دهه پنجاه شمسی بود.

دوره سوم: پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران منتهی به مطالعات طرح آمایش سرزمین اسلامی گردید که مشکلات جنگ مانع از تداوم کل مطالعات و نیز اجرای سیاست‌ها و برخی اسناد آن شد.

دوره چهارم: همزمان با دوران سازندگی پس از جنگ تحمیلی می‌باشد که اقداماتی اولیه در تداوم برنامه آمایشی تهیه شده در دهه ۶۰ آغاز می‌گردد ولی باز به دلیل عدم توجیحات علمی و اجرایی در حاشیه می‌ماند. البته تأسیس دفتر برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای در این دوره اقدامی مهم در زمینه نهادسازی برای آمایش سرزمین محسوب می‌شود. دوره پنجم: از سال ۷۶ با توجه دوباره به مقوله آمایش سرزمین شکل می‌گیرد که حاصل آن مطالعات نظریه پایه توسعه می‌باشد همچنین در این دهه موضوع تهیه طرح کالبدی ملی توسط وزارت مسکن و شهرسازی وقت دنبال می‌شود و اسنادی استخراج می‌گردد که بتواند مبنای استفاده خردمندان از فضا قرار بگیرد.

دوره متأخر: این دوره را شاید بتوان با دهه ۸۰ و ۹۰ معادل دانست در این دوره ابلاغ سیاست‌های آمایش سرزمین توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، انحلال سازمان برنامه‌بودجه، الزام استان‌ها به تدوین برنامه آمایش سرزمین، طرح اندیشه‌های جدید در زمینه ضرورت توازن بخشی فضایی و ضرورت تأکید بر عدالت فضایی، بازتعریف آمایش سرزمین با محوریت سناریوسازی جهت سازمان فضایی اقدامات مداخله‌ای و بالأخره راهبرد اقتصاد مقاومتی و به تبع آن طرح مجدد گفتمان آمایش سرزمین در محافل علمی و اجرایی بخشی از رویدادهای مربوط به این دوره است که امید می‌رود برونداد آن به نتایج روش برای حرکت در راستای توسعه پایدار سرزمین جمهوری اسلامی ایران منجر شود.

در این راستا مطالعه تطبیقی برنامه‌های آمایش سرزمین در کره جنوبی و ایران نشان می‌دهد که در کشور کره جنوبی چهار برنامه تهیه شده است و در حال حاضر برنامه چهارم در دست اجرا است. نخستین طرح جامع سرزمین در کره (۱۹۷۲-۱۹۸۱) است و هدف آن استقرار مراکز رشد پیرامون پایتخت و در کمربند صنعتی ساحلی جنوب شرقی کشور به منظور ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصادی شتابان بود. در دومین طرح جامع که برای دوره (۱۹۸۲-۱۹۹۱) تهیه شد هدف آن پخشایش جمعیت در مناطق شهرستانی و نیز ارتقای کیفیت محیط زندگی با کاهش هجوم جمعیت به مناطق پایتخت و همزمان توسعه شهرستان‌ها بود. سومین طرح جامع سرزمین برای دوره (۲۰۰۱-۱۹۹۲) تهیه شد و تأکید آن بر پراکنش توسعه منطقه‌ای از طریق گسترش مراکز صنعتی در ساحل غربی و شهرستان‌ها به منظور ارتقای سطح رفاه عمومی و حفاظت محیط طبیعی بود. چهارمین طرح جامع سرزمین برای دوره (۲۰۰۲-۲۰۲۰) تهیه شده و دست اجرا می‌باشد. پیوستگی و تحول استراتژی‌های سه برنامه اول تا سوم چنانچه پیداست هدف برنامه جامع سرزمین از ایجاد قطب‌های توسعه در دهه ۱۹۷۰ نخست به "توسعه سراسری" در دهه ۱۹۸۰ و سپس به "توسعه متوازن" در دهه ۱۹۹۰ متحول شده است. در برنامه اول تأکید از سویی بر محیط تولید و از سوی دیگر بر ایجاد مجموعه‌ها یا مراکز شهری است. در برنامه دوم تأکید به ترتیب بر محیط زندگی و پخشایش مراکز شهری است و در برنامه سوم محیط زیست و مشارکت در مجموعه‌های شهری اهمیت یافته است.

در کشور کره با توجه به مسائل جهانی شدن و همچنین مسائل بین‌المللی، برنامه‌های آمایشی تهیه و طراحی شده است و به اجرا گذاشته شده است. مانند مسائل تجارتي بین کره و چین و یا توجه به مسائل توریستی در مناطق کوهستانی که امکان شهرسازی در آن وجود ندارد؛ باعث شده که از لحاظ اقتصادی به توسعه برسد. در ایران به مسائل ساحلی توجه خاصی نشده است و برنامه ریزی‌های آمایشی برای بخش‌های ساحلی صورت نگرفته است، در صورتی که توجه به مسائل ساحلی می‌تواند عامل شتاب دهنده توسعه در کشورمان باشد. در کره تمام سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها در اجرا و انجام طرح‌های آمایشی مشارکت دارند و مردم نیز در برنامه‌های محلی و منطقه‌ای نقش خاصی را ایفا می‌کنند. در ایران سازمان برنامه و بودجه برنامه‌های آمایشی را تدوین می‌کند؛ اما در بخش اجرایی هماهنگی بین بخش‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها وجود ندارد. در کشور کره مزیت‌های نسبی هر منطقه به طور دقیق مورد توجه قرار گرفته و برای آن برنامه ریزی شده است و تمام اهداف اجتماعی و فرهنگی در آن لحاظ گردیده است؛ در صورتی که در کشور ما شناخت مزیت‌های نسبی به طوری که بتواند باعث رشد و توسعه گردد مشخص نشده است (قاضی و طاهری: ۱۳۹۳: ۵۸).

در هر حال آنچه که روشن است تا به حال مطالعات جامعی در خصوص آسیب شناسی و ارزیابی طرح و برنامه های آمایش سرزمین و همچنین اندیشه های پیشبرنده رویکرد آمایش سرزمین در کشور تهیه و اجرا نشده است. لذا پژوهش حاضر در حکم مقدمه یا پیش درآمدی بر این موضوع می تواند محسوب شود.

جدول ۱- دوره بندی فعالیت های آمایش سرزمین در ایران

دوره	بازه زمانی	فعالیت های آمایش سرزمین	موانع
دوره ۱	اوایل دهه ۱۳۴۰ تا اوایل دهه ۱۳۵۰	شکل گیری مفهوم آمایش سرزمین	نگرش حاکمیت وقت
دوره ۲	۱۳۵۴-۱۳۵۶	مطالعات طرح جامع ستیران	وقوع انقلاب
دوره ۳	۱۳۶۲-۱۳۶۸	مطالعات طرح آمایش سرزمین اسلامی ایران	جنگ ۸ ساله
دوره ۴	۱۳۶۸-۱۳۷۶	رکود نسبی	مشکلات سازندگی پس از جنگ
دوره ۵	۱۳۷۶-۱۳۸۴	مطالعات نظریه پایه توسعه ملی	شتابزدگی و فراهم نبودن شرایط
دوره متأخر	دهه ۸۰ و ۹۰	رکود و پویایی دوباره	شک، بازتعریف و طرح گفتمان

(شریف زادگان و رضوی، ۱۳۸۹: ۹۰).

مواد و روش تحقیق:

تحقیق از نظر هدف شناسی، کاربردی و به اعتبار روش شناسی، اسنادی-تحلیلی است. شیوه جمع آوری اطلاعات میدانی-اسنادی بر مبنای مصاحبه بوده و تلاش شده با احصای متغیرهای اثرگذار در شناسایی و رتبه بندی آسیب ها، در قالب پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت نسبت به اخذ نظرات کارشناسان خبره با روش گلوله برفی اقدام شود. جهت تجزیه و تحلیل و مؤلفه های بازدارنده تحقق طرح های آمایشی، از مدل تحلیل شبکه ای ANP استفاده شده است. با بررسی های به عمل آمده و نظرخواهی کارشناسان امر، وزن دهی به هر کدام از عوامل صورت گرفت و با تنظیم عوامل استراتژیک نسبت به تهیه و تنظیم ساختار شبکه ای عوامل در محیط نرم افزار *Super Decision* با هدف تعیین، اولویت بندی و اتخاذ بهترین استراتژی ها اقدام شد. همچنین در این پژوهش، از طیف لیکرت به منظور اولویت سنجی و رتبه بندی عوامل محیط درونی و بیرونی استفاده شده است. مدل ANP: توماس ساعتی به عنوان مبدع تحلیل سلسله مراتبی، در سال ۱۹۹۶ روش توسعه یافته ای تحت عنوان فرایند تحلیل شبکه ای ANP را مطرح نمود (Saaty, 1996). ANP یک چهارچوب با روابط سلسله مراتبی AHP ارائه می دهد و اجازه می دهد روابط بین سطوح تصمیم گیری و خصیصه ها مورد بررسی قرار گیرد. روش تحلیل شبکه شامل یک سری فنون از جمله جمع وزن ها یا تحلیل های همگرایی است که اجازه می دهد طیفی از معیارهای وابسته به یک مبحث امتیازدهی شوند، سپس کارشناسان و گروه های ذینفع آن ها رتبه بندی می کنند (Higgs, 2006: 236). روش تحلیل شبکه بر فرایند ارزش گذاری گزینه هایی که به وسیله چند معیار ارزیابی شده اند دلالت دارد (Phua & Minowa, 2000: 68). تکنیک تحلیل شبکه به میزان زیادی فضایی اند. در واقع معیارها در فضا میان تعداد زیادی از مسائل تصمیم گیری متفاوت اند (Malczewski, 1999: 28). ANP بازخورد رویکرد جایگزین شده سلسله مراتبی با شبکه در روابط بین سطوح است (Meade et al: 1999). در واقع فرایند تحلیل شبکه، تصمیم یافته فرایند تحلیل سلسله مراتبی است (Lee, 2005: 3). اگرچه فرایند تجزیه و تحلیل شبکه ای نیز مقیاس اندازه گیری نسبی مبتنی بر مقایسه های زوجی را به کار می گیرد، اما مانند فرایند تحلیل سلسله مراتبی، ساختار کاملاً سلسله مراتبی را به مسئله تحمیل نمی کند بلکه موضوع تصمیم گیری را با به کارگیری دیدگاه سیستمی توأم با بازخورد، مدلسازی می کند (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۹)، زیرا در بیشتر موارد معیارها و زیر معیارها که شامل عناصر سطح بالاتر در سلسله مراتب با عناصر سطح پایین تر در آن دارای تعامل و وابستگی متقابل و تأثیرگذار بر یکدیگر باشد (Saaty, 2005). برای نمونه علاوه بر اینکه اهمیت معیارها، اهمیت جایگزین ها را مشخص می کند، بلکه اهمیت جایگزین ها نیز ممکن است تأثیری در اهمیت معیارها داشته باشد (رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹; Karsak et al: 2002: 137). در این فن نشان دادن

وابستگی‌های میان سطوح تصمیم‌گیری، تعیین اهمیت نسبی معیارها و اولویت‌بندی گزینه‌های مسأله تصمیم‌گیری از ابر ماتریس استفاده می‌شود (Yüksel, 2007: 3336; Chung et al: 2005: 17). در واقع یک ماتریس قسمت‌بندی شده است که در آن هر عنصر از ماتریس، رابطه میان عناصر دو سطح تصمیم‌گیری را در کل مسأله تصمیم‌گیری نشان می‌دهد (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳).

معرفی شاخص‌های پژوهش: با توجه به مطالعات ادبیات نظری و مرور تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته پیشین در ارتباط با موضوع پژوهش، شاخص‌های که نقش مؤثر در بازدارندگی تحقق طرح‌های آمایشی دارند در جدول (۲) تدوین گردید.

جدول ۲- معیارهای مورد ارزیابی برای آسیب‌شناسی طرح آمایش سرزمین

آسیب‌شناسی ساختاری	آسیب‌شناسی محتوایی	آسیب‌شناسی مدیریتی	آسیب‌شناسی قانونی
۱- سنتی بودن نظام برنامه‌ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی	۴- حاکمیت متغیرهای اقتصاد خرد در بهره‌گیری از فضا	۲- حاکمیت اقتصاد نفتی و اقتصاد رانتی به‌عنوان مؤلفه اصلی در نهادینه نشدن نگاه منطقه‌ای-فضایی	۶- عدم تعریف دقیق جایگاه برنامه‌ها و نگاه آمایشی در اسناد قانونی هدایتگر برنامه‌ها و تصمیمات
۳- بخشی بودن نظام برنامه‌ریزی در ایجاد برش بین بخشی از رهگذر برنامه‌های آمایشی	۱۱- نبود بانک داده و شاکله ایی یکپارچه از اطلاعات سرزمینی در استخراج اسناد آمایشی کارآمد	۷- مبتنی بودن نظام تخصیص بر چانه‌زنی‌های مدیریتی بجای نگاه آمایشی	۱۰- ضعف طرح و برنامه‌های آمایشی تهیه شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه مناطق مختلف کشور
۵- تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی به‌جای انسانی و فضایی در برنامه‌های توسعه و اقدامات مداخله‌ای	۱۵- عمیق بودن نابرابری‌های منطقه‌ای بجای که طرح‌های آمایشی تا توازن بخشی فضایی راه بسیار طولانی دارند	۹- تأکید بیش‌ازحد برنامه‌های آمایشی بر آبادی مکان بجای رفاه و امنیت انسان	۱۹- کارآمدی برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و عدم نیاز به طرح و برنامه‌های آمایش سرزمین
۸- منطقه‌ای بودن برنامه‌های ملی بجای ملی شدن برنامه‌های منطقه‌ای	۲۱- ناشناخته بودن ظرفیت‌های آمایش سرزمین در توسعه متوازن و پایدار ملی	۱۲- کمبود متخصص آمایش سرزمین در کشور	۲۰- ضعف الگوهای تحلیل نظام فضایی در چارچوب برنامه‌های آمایشی
۱۴- باور ضعیف متولیان امر به اثربخشی رویکرد آمایشی در تحقق توسعه یکپارچه و پایدار	۲۶- ضعف نظام عقلانیت جوهری در حرکت از نظریه در برنامه‌ریزی به نظریه برنامه‌ریزی	۱۳- نبود ائتلاف بین متخصصان حوزه‌های علمی مختلف در ارائه تعریفی میان رشته ایی از آمایش سرزمین	۲۴- تقلیل‌گرایی آمایش سرزمین به یکسری طرح‌های توصیه ایی بدون پشتوانه‌های نهادی و قانونی محکم
۱۸- وجود مطالباتی فراتر از ظرفیت اسناد آمایشی در تحقق توسعه متوازن و پایدار ملی	۳۰- آمایش سرزمین برای پیاده شدن مستلزم نهادینه شدن عقلانیت ارتباطی و استراتژیک است	۱۶- قطبی شدن توسعه به مرکزیت تهران و چند کلانشهر و تثبیت وضع موجود به‌عنوان تصویری عادی از فرایند توسعه فضایی	۲۵- نویا بودن نظام برنامه‌ریزی کشور برای پذیرش رویکردهای نوین نسبت به موضوع آمایش سرزمین
۲۲- عدم تعریف سازوکارهای تحقق بخش رویکرد آمایشی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی	۱۷- عدم وفاق بین وزارت راه و شهرسازی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در همکاری برای تدوین و اجرایی ساختن سند آمایشی	۲۳- وجود تعدد برداشت از مفهوم و رسالت آمایش سرزمین بین متولیان امر آمایش سرزمین	۲۸- وجود تجربیات ناموفق از طرح و برنامه‌های آمایشی تهیه شده و آسیب وارد شدن به اعتماد نسبت به اثربخشی و پیاده شدن آمایش سرزمین.
۲۷- ضعف ساختاری رشته‌های اصلی ذی‌مدخل در آمایش سرزمین در طرح و ارتقای سطح گفتمان آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی			
۲۹- پیاده‌سازی آمایش سرزمین مستلزم نظریه‌سازی از جنس ایرانی است که هنوز انجام نشده است			

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶.

بحث و ارائه یافته‌ها:

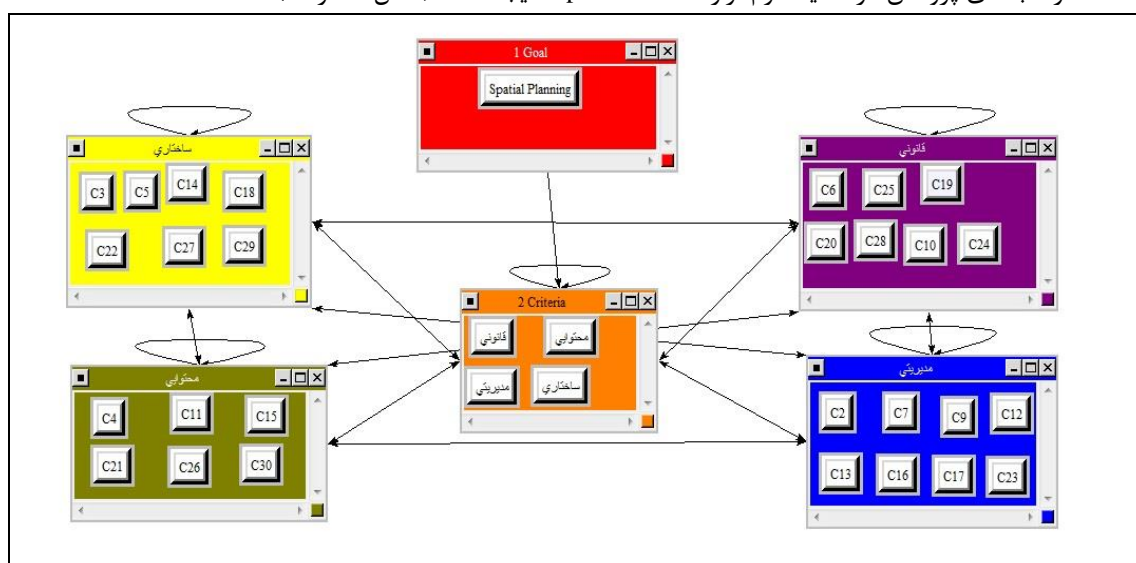
با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌های آمایشی در کشور است برای دستیابی به اینکه مؤلفه‌های اصلی بازدارنده تحقق طرح‌های آمایشی چه مؤلفه‌هایی هستند و کدام‌یک از مؤلفه‌های بازدارنده در مقایسه با دیگر

مؤلفه های تأثیر بیشتری دارند از مدل ANP استفاده شد. در ابتدا معیارهای اصلی و زیرمعیارها مؤثر در بازدارندگی تحقق طرح های آمایشی دسته بندی گردیدند. (شکل شماره ۱).



شکل ۱- خوشه بندی معیارهای مورد بررسی در نرم افزار Super Decision - مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶.

در مرحله بعد با تجزیه مساله مورد نظر به ساختار شبکه ای که شامل هدف، معیارها، زیر معیارها می باشد، اقدام گردید در نهایت ساختار شبکه ای پژوهش در محیط نرم افزار Super Decision ایجاد شد. (شکل شماره ۲).



شکل ۲- ساختار شبکه ای (ANP-SWOT) - مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶.

وزن گذاری معیارهای اصلی و زیر معیارها مؤثر در آسیب شناسی طرح ها و برنامه های آمایشی در کشور با استفاده از نظر کارشناسان خبره در نرم افزار Super Decisions به صورت خوشه ای مورد تحلیل قرار گرفته است. سپس با شفاف سازی مسأله و تجزیه آن، نسبت به مقایسات زوجی زیر معیارها بصورت مجزا در نرم افزار Super Decision اقدام گردید. وزن نسبی هر یک از زیرمعیارها از طریق روش مقدار ویژه (ارزش نهایی)، اوزان نهایی هر معیار تعیین گردید. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- امتیاز نهایی اتخاذی مدل ANP

محدود	نرمال	زیر معیار	معیار	محدود	نرمال	زیر معیار	معیار
۰/۰۰۱۰۰۱	۰/۱۰۷۶۷	C4	محتوایی	۰۱۸۷۶۹/۰	۱۵۶۶۹/۰	C6	قانونی
۰/۰۰۰۹۴۶	۰/۱۰۱۷۵	C11		۰۵۵۴۷۳/۰	۴۶۳۱/۰	C10	
۰/۰۰۲۲۸۵	۰/۲۴۵۷۸	C15		۰۱۰۲۲۱/۰	۰۰۰۸۵۳۳	C19	
۰/۰۰۰۹۸۴	۰/۱۰۵۸۴	C21		۰۰۹۴۴۳/۰	۰۷۸۸۳/۰	C20	
۰/۰۰۱۲۵۲	۰/۱۳۴۶۷	C26		۰۰۹۷۱۴/۰	۰۰۰۸۱۱	C24	
۰/۰۰۱۱۲۵	۰/۱۲۱۰۱	C30		۰۰۸۳۸۸/۰	۰۷۰۰۳/۰	C25	
				۰۰۷۷۷۷/۰	۰۶۴۹۲/۰	C28	
۰/۰۱۵۳۷۷	۰/۲۷۴۶۴	ارزش نهایی		۰۹۳۱۶/۰	۴۰۹۱۹/۰	ارزش نهایی	
۰۲۷۲۱۴/۰	۰/۱۴۵۸۵	C1	ساختاری	۰۴۸۲۷۶/۰	۱۸۲۴۴/۰	C2	مدیریتی
۰۲۵۹۸۱/۰	۰/۱۳۹۲۵	C3		۰۲۹۸۴۷/۰	۱۱۲۸/۰	C7	
۰۳۲۰۳۵/۰	۰/۱۷۱۶۹	C5		۰۴۰۶۰۱/۰	۱۵۳۴۴/۰	C9	
۰۲۱۷۳۷/۰	۱۱۶۵/۰	C8		۰۳۳۸۲۶/۰	۱۲۷۸۴/۰	C12	
۰۲۲۱۸۲/۰	۱۱۸۸۸/۰	C14		۰۲۹۷۶۲/۰	۱۱۲۴۸/۰	C13	
۰۳۰۸۹۵/۰	۱۶۵۵۸/۰	C18		۰۳۳۵۹۲/۰	۱۲۶۹۵/۰	C16	
۰۱۵۸۳۴/۰	۰۸۴۸۶/۰	C22		۰۲۴۶۵۴/۰	۰۹۳۱۷/۰	C17	
۰۱۰۷۰۶/۰	۰۵۷۳۸/۰	C27		۰۲۴۰۴۸/۰	۰۹۰۸۸/۰	C23	
۰۴۰۶۹۱/۰	۱۱۲۵۹/۰	C29				ارزش نهایی	
۰۳۶۶۴۸/۰	۱۶۰۹۷/۰	ارزش نهایی		۰۵۲۲۹۷/۰	۲۲۹۷۱/۰		

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶.

نتایج حاصل از جدول (۳) تجزیه و تحلیل اهمیت مؤلفه‌های آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌های آمایشی در کشور براساس مدل ANP نشان می‌دهد که در بین زیر معیارهای مؤلفه قانونی، زیر معیارهای C10 (ضعف طرح و برنامه‌های آمایشی تهیه شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه مناطق مختلف کشور) و C6 (عدم تعریف دقیق جایگاه برنامه‌ها و نگاه آمایشی در اسناد قانونی هدایتگر برنامه‌ها و تصمیمات) به ترتیب بیشتر اهمیت را دارند. در بین زیر معیارهای مؤلفه محتوایی، زیر معیارهای C15 (عمیق بودن نابرابری‌های منطقه‌ای بحدی که طرح‌های آمایشی تا توازن بخشی فضایی راه بسیار طولانی دارند) و C26 (ضعف نظام عقلانیت جوهری در حرکت از نظریه در برنامه‌ریزی به نظریه برنامه‌ریزی) بیشترین اهمیت نسبت به دیگر زیرمعیارها محتوایی دارند. در بین زیر معیارهای مؤلفه مدیریتی، زیر معیارهای C2 (حاکمیت اقتصاد نفتی و اقتصاد رانته به‌عنوان مؤلفه اصلی در نهادینه نشدن نگاه منطقه‌ای-فضایی) و C12 (کمبود متخصص آمایش سرزمین در کشور) به ترتیب بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند. همچنین در بین زیر معیارهای مؤلفه ساختاری، زیرمعیارهای C1 (سنتی بودن نظام برنامه‌ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی) و C14 (باور ضعیف متولیان امر به اثربخشی رویکرد آمایشی در تحقق توسعه یکپارچه و پایدار) به ترتیب بیشترین اهمیت را در بین زیرمعیارهای ساختاری دارند. با توجه به اهمیت معیارها و زیرمعیارها در آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌های آمایشی در کشور در جدول شماره (۴) معیارها اصلی به همراه زیرمعیارهای آنها رتبه‌بندی گردید.

نتایج حاصل از جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که در بین مؤلفه‌های آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌های آمایشی در کشور، معیارهای قانونی با امتیاز ۰/۴۰۹۱۹ رتبه اول را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از معیارهای قانونی در رتبه‌های بعدی معیارهای محتوایی با امتیاز ۰/۲۷۴۶۴ رتبه دوم، معیارهای مدیریتی با رتبه ۰/۲۲۹۷۱ رتبه سوم و معیارهای ساختاری با امتیاز ۰/۱۶۰۹۷ رتبه چهارم را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۴- رتبه بندی زیرمعیارها

رتبه	نرمال	زیر معیار	معیار	رتبه	نرمال	زیر معیار	معیار
۱	۱۸۲۴۴/۰	C2	مدیریتی رتبه ۲	۱	۱۵۶۶۹/۰	C6	قانونی رتبه ۱
۲	۱۲۷۸۴/۰	C12		۲	۴۶۳۱/۰	C10	
۳	۱۱۲۴۸/۰	C13		۳	۰۸۵۳۳/۰	C19	
۴	۱۲۶۹۵/۰	C16		۴	۰۷۸۸۳/۰	C20	
۵	۰۹۳۱۷/۰	C17		۵	۰۸۱۱/۰	C24	
۶	۰۹۰۸۸/۰	C23		۶	۰۷۰۰۳/۰	C25	
۷	۱۱۲۸/۰	C7		۷	۰۶۴۹۲/۰	C28	
۸	۱۵۳۴۴/۰	C9					
رتبه	نرمال	زیر معیار	معیار	رتبه	نرمال	زیر معیار	معیار
۱	۲۴۵۷۸/۰	C15	محتوایی رتبه ۲	۱	۱۴۵۸۵/۰	C1	ساختاری رتبه ۴
۲	۱۳۴۶۷/۰	C26		۲	۱۱۸۸۸/۰	C14	
۳	۱۲۱۰۱/۰	C30		۳	۱۶۵۵۸/۰	C18	
۴	۱۰۷۶۷/۰	C4		۴	۰۸۴۸۶/۰	C22	
۵	۱۰۵۸۴/۰	C21		۵	۰۵۷۳۸/۰	C27	
				۶	۱۱۲۵۹/۰	C29	
				۷	۱۳۹۲۵/۰	C3	
				۸	۱۷۱۶۹/۰	C5	
۶	۱۰۱۷۵/۰	C11		۹	۱۱۶۵/۰	C8	

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها:

آسیب شناسی برنامه های آمایش سرزمین در ایران از جنبه های مختلفی نشات می گیرد، بر اساس بررسی های صورت گرفته در راستای این تحقیق نتایج مشخص زیر حاصل شده است:

۱- یافته های حاصل از مدل ANP نشان می دهد که در بین زیرمعیارهای مؤلفه قانونی، زیر معیارهای C10 (ضعف طرح و برنامه های آمایشی تهیه شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه مناطق مختلف کشور) با مقدار ۰/۴۶۳۱ بیشترین اهمیت را دارند. در بین زیر معیارهای مؤلفه محتوایی، زیر معیارهای C15 (عمیق بودن نابرابری های منطقه ای بحدی که طرح های آمایشی تا توازن بخشی فضایی راه بسیار طولانی دارند) با مقدار ۰/۲۴۵۷۸ بیشترین اهمیت را دارا می باشد. هم چنین در بین زیر معیارهای مؤلفه مدیریتی، زیر معیارهای C2 (حاکمیت اقتصاد نفتی و اقتصاد رانتی به عنوان مؤلفه اصلی در نهادینه نشدن نگاه منطقه ای-فضایی) با مقدار ۰/۱۸۲۴۴ بالاترین اهمیت را به خود اختصاص داده است. و در نهایت در بین زیر معیارهای مؤلفه ساختاری، زیر معیارهای C1 (سنتی بودن نظام برنامه ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی) با مقدار ۰/۱۴۵۸۵ بالاترین اهمیت را دارد.

۲- آسیب شناسی به اعتبار معیارهای قانونی نشان می دهد که از معیار جایگاه قانونی، طرح و برنامه های آمایشی یکی از حلقه های مفقوده مهم و اثرگذار در عدم موفقیت و عدم نهادینه شدن هرگونه طرح و برنامه آمایشی در کشور محسوب می شود، قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و ۴۰ سال بعد از آن مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و حتی اقدامات سازمان مدیریت و برنامه ریزی در تخصیص دفتر یا مرکزی خاص به مقوله آمایش سرزمین نتوانسته جایگاه این نوع نگرش و مدیریت فضا را در کشور نهادینه سازد. ولی با این حال ابلاغ سیاست های اقتصاد مقاومتی و حرکت تازه

آغاز شده در کشور در زمینه بازتعریف و طرح گفتمان جدیدی از موضوع آمایش سرزمین این امید را پررنگ می‌سازد که بتوان به رفع برخی از این آسیب‌ها مبادرت ورزید.

۳- آسیب‌شناسی به اعتبار زیرمعیارها نشان می‌دهد که در حوزه جایگاه قانونی مهم‌ترین زیرمعیار "عدم تعریف دقیق جایگاه برنامه‌ها و نگاه آمایشی در اسناد قانونی هدایتگر برنامه‌ها و تصمیمات" در حوزه مدیریتی مهم‌ترین زیر معیار "حاکمیت اقتصاد نفتی و اقتصاد رانتی به‌عنوان مؤلفه اصلی در نهادینه نشدن نگاه منطقه‌ای- فضایی" در حوزه ساختاری مهم‌ترین زیر معیار "سنتی بودن نظام برنامه‌ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی" و در حوزه معیار محتوایی مهم‌ترین زیر معیار "عمیق بودن نابرابری‌های منطقه‌ای بحدی که طرح‌های آمایشی تا توازن بخشی فضایی راه بسیار طولانی دارند" از جمله مهم‌ترین عوامل در آسیب‌شناسی طرح و برنامه‌های آمایش سرزمین در کشور می‌باشند.

به‌عنوان پیشنهاد ضرورت دارد که نسبت به کالبدشکافی آسیب‌ها، تحلیل ظرفیت‌ها، بازاندیشی در جایگاه طرح و برنامه‌های آمایشی در نظام برنامه‌ریزی کشور، توجه به مؤلفه‌های مغفول مانده در نظام بودجه‌ریزی و تخصیص منابع، ارزیابی پیامدهای فضایی- اجتماعی طرح و برنامه‌ها و اقدامات مداخله‌ای به نام توسعه، رویکرد به نظریه برنامه‌ریزی بجای اصرار با نظریه در برنامه‌ریزی، تحلیل و شناخت ظرفیت‌های اقتصاد مقاومتی در زمینه نهادینه ساختن برنامه‌های آمایشی اندیشه کرد.

- وجود طرح و برنامه مشخص و با پشتوانه قانونی لازم برای سازماندهی فضا؛
- ملزم و متعهد کردن مدیران رده بالا و رده میانی به اجرای طرح‌های آمایش در جریان تغییرات مدیریتی با استفاده از قوانین و آیین‌نامه‌های الزام‌آور صادره از نهادهای نظارتی و اجرایی؛
- تقویت و بهره‌برداری سازمان‌های متولی اجرای طرح‌های آمایش سرزمین در بهره‌برداری و استفاده از توان سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- تقویت جایگاه طرح‌های آمایش در تدوین برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز؛
- تقویت سازکارهای نظارتی دقیق و کارآمد؛
- تدوین قوانین الزام‌آور جهت اجرای سناریوهای پیشنهادی و ابلاغ و پیگیری چگونگی عمل به قوانین؛
- اهمیت دادن به توجیه اقتصادی طرح‌ها و اجرای طرح‌های دارای توجیهات اقتصادی منطقی و علمی؛
- ایجاد زمینه‌های هماهنگی و همکاری بین سازمان‌های متولی امر آمایش سرزمین در مرحله تهیه، اجرا و نظارت با تشکیل کمیته مشترک همکاری‌های آمایش سرزمین؛

منابع و مأخذ:

۱. استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۸): برنامه‌ریزی جامع آمایش سرزمین با تأکید بر نگرش سیستمی، جغرافیا، شماره ۱۰، صص ۸۷-۷۱.
۲. پورا احمد، احمد (۱۳۸۰): آمایش سرزمین و ایجاد تعادل در نظام شهری کشور»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، شماره ۱۶۰، صص ۴۹۰-۴۷۹.
۳. توفیق، فیروز (۱۳۸۴): آمایش سرزمین - تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
۴. خنیفر، حسین (۱۳۸۹): درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران»، آمایش سرزمین، شماره ۲، ۵-۲۵.
۵. رهنما، محمدرحیم، حسین آقاجانی (۱۳۹۲): مطالعات آمایش استان خراسان رضوی، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۶. رهنمایی، محمدتقی، احمد پورا احمد و یوسف اشرفی (۱۳۹۰): ارزیابی قابلیت‌های توسعه شهری مراغه با استفاده از مدل ترکیبی SWOT-ANP»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۴، صص ۷۷-۱۰۰.
۷. زیاری، کرامت الله (۱۳۸۸): اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. سلطانی، ناصر (۱۳۹۲): ارزیابی موانع فراروی طرح‌های آمایش سرزمین در ایران با رویکرد تلفیقی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۳، صص ۶۳-۸۳.
۹. سرور، رحیم (۱۳۸۴): جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. سرور، رحیم (۱۳۸۷): برنامه‌ریزی کاربری اراضی در طرح‌های توسعه و عمران ناحیه‌ای، تهران، انتشارات گنج هنر.

۱۱. شریف زادگان، محمدحسین، سید امیر رضوی دهکردی (۱۳۸۹): ارزیابی فرآیند برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در ایران و راهکارهای بهبود آن، فصلنامه علوم محیطی، شماره ۴، صص ۸۷-۱۰۰.
۱۲. صالحی، اسماعیل، فرزام سنگاچین پوراصغر (۱۳۸۸): تحلیلی بر موانع فراروی آمایش سرزمین در ایران، مجله راهبرد، شماره ۵۲، صص ۱۴۹-۱۸۱.
۱۳. عندلیب، علیرضا، شریف مطوف (۱۳۸۸): توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، مجله باغ نظر، شماره ۱۲، ۵۷-۷۶.
۱۴. فرجی سبکبار، حسنعلی، سیدعلی بدری، سیدحسن مطیعی لنگرودی و حجت اله شرفی، ۱۳۸۹، سنجش میزان پایداری نواحی روستایی بر مبنای مدل تحلیل شبکه، با استفاده از تکنیک بردا (مطالعه موردی: نواحی روستایی شهرستان فسا)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲، ۱۳۵-۱۵۵.
۱۵. قاضی، ثریا، طاهری، مرضیه (۱۳۹۳): بررسی تطبیقی برنامه‌های آمایش ایران و کره جنوبی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، دوره ۴، شماره ۱۲، دهقان، صص ۳۱-۴۰.
۱۶. قورچیان، نادر قلی، مینا جمشیدی اوانکی (۱۳۸۵): از آمایش سرزمین تا برنامه‌ریزی درسی، تهران، انتشارات فراشناختی اندیشه.
۱۷. لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۸): سیر تحول برنامه‌های آمایش سرزمین در برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب، نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱، تهران، صص ۱۱۱-۱۴۷.
۱۸. مخدوم، مجید (۱۳۹۰): شالوده آمایش سرزمین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. مفیدی، مهرانوش (۱۳۸۹): آمایش سرزمین در اتریش با نگاهی به کنفرانس برنامه‌ریزی فضایی، مجله آمایش سرزمین، شماره ۳، صص ۷۳-۹۹.
۲۰. مهرگان محمدرضا، هادی سلامی و مصطفی خواجه (۱۳۹۰): ارائه یک مدل تصمیم‌گیری چند شاخصه جهت برون‌سپاری فرآیندهای کسب‌وکار با استفاده از تکنیک فرایند تحلیل شبکه‌ای، مجله مدیریت توسعه و تحول، شماره ۶، ۱۷-۳۰.
21. Chung, S., A. H. I. Lee & W. L. Pear (2005): Analytic network process (ANP) approach for product mix planning in semiconductor fabricator, *Int. J. Production Economics*, Vol. 96, pp. 15-36.
22. Hansen, N. H. (1978): *Border Regions: A Critique of Spatial Theory and a European Case Study; Human Settlement Systems. International Perspectives on Structure Change and public Policy.* Ballinger Publication Co., pp. 246-261 Cambridge, UK.
23. Henry, W. (2002): *Curriculum: Perspective, Paradigm & Possibility*, Leonard Hill Books.
24. Higgs, G. (2006): integrating multi-criteria techniques with geographical information systems in waste facility location to enhance public participation, *Waste Management and Research*, 24, 105-117.
25. Karsak, E., S. Ertugrul, & S.Emre, (2002): Product planning in quality function development using combined, *Computers and Industrial Engineering*, No. 44, 171-190.
26. Lee, J., & K. Hie, (2005): An integrated approach for interdependent information system project selection, *Project Management*, Vol. 19, No. 2, 111-118.
27. Malczewski, J. (1999): *GIS and Multi criteria Decision Analysis*. New York, John Wiley and.
28. Meade, L.M., J. Sarkis, (1999): Analyzing organizational project alternatives for agile manufacturing processes: An analytical network approach, *International Journal of Production Research*, Vol. 37, No. 2, 241-261.
29. Phua, M. H., M. Minowa, (2000): Evaluation of environmental functions of tropical forest in Kinabalu Park, Sabah, Malaysia using GIS and remote sensing techniques: implications to forest conservation planning. *J. For. Res.*, 5, 123-131.
30. Saaty, T.L. (1996): *Analytical Network Process*. Pittsburgh: RWS Publications.
31. Saaty, T.L., M.S. Özdemir, (2005): *The Encyclion: A Dictionary of Decisions with Dependence and Feedback based on the Analytic Network Process*, RWS Publications, USA.
32. Yüksel, İ., M. Dağdeviren, (2007), Using the analytic network process (ANP) in a SWOT analysis-A case study for a textile firm, *Information Sciences*, Vol. 177, No. 16, 3364-3382.